

پشتکار، هشیاری، دقت

بار دیگر نشان داد که هم ارتجاع داخلی و هم امپریالیسم و عمال ایرانی آن کور خوانده بودند. حزب توده ایران علیرغم حملات گسترده از "چپ" و راست پرچم مبارزه را همچنان افراشته نگاهداشت. امروزه دوست و دشمن شاهد حضور فعال حزب در عرصه مبارزه هستند. طبیعی است که باتشدید مبارزه حزب، ارگانهای اطلاعاتی و سرکوبگر رژیم نیز فعالیت خرابکارانه خویش علیه حزب ما را گسترش می دهند.

شیوه های روبروئی رژیم با حزب توده ایران جدید نیست. نهادهای اطلاعاتی رژیم با اجیر کردن ساواکیهای تربیت شده در مکتب "سیا" از "تجارب" آنها در مبارزه علیه حزب استفاده می کنند. این "تجارب" نیز برای ما تازگی ندارند.

مثلا اخیرا بخش اطلاعات سپاه پاسداران طبق پیشنهاد ساواکیها، نشریه ای جعلی بنام حزب منتشر می سازد. در این نشریه سیاست حزب در گذشته و حال به "نقد" کشیده می شود و در این راه تا آنجا پیش رفته اند که نامه خودنگاشته ای را با امضای رفیق خاوری، دبیر اول حزبمان تکثیر و در سطح جامعه پخش می کنند. اینها در واقع تکرار همان شیوه هایی است که زمانی "شعبه ویژه ساواک" برای مبارزه با حزب توده ایران در پیش گرفته بود و با شکست مقضحانه روبرو شد.

شیوه دیگر استفاده از خائنینی است که در صفوف همه احزاب و سازمانها کم و بیش وجود داشته اند. معمولا به هنگام اوج مبارزه برخی افراد دست عنصر و تصادفی وارد حزب می شوند. اینگونه افراد پس از نخستین ضربه وارد بر حزب راه خیانت را در پیش می گیرند. تعداد عناصر وازده هر قدر اندک نیز باشد، دشمن می کوشد تا از آنها برای رسوخ در صفوف حزب مخمی بهره بگیرد. هسته ها و واحدهای حزبی در داخل و خارج از کشور موظفند این توطئه های ارگانهای اطلاعاتی را خنثی کنند. رهبری حزب اطلاعاتی را که در این زمینه بدست می آورد بلافاصله در اختیار هسته ها و واحدهای حزبی قرار خواهد داد.

با رویکردانی هرچه بیشتر توله ها از رژیم ج.ا. بقیه در ص ۷

در صفحات بعد

*** دگرگونسازی و نواندیشی (۲)**
در ص ۴ **برای ما و سراسر جهان**

*** شاعران راستین** در ص ۷
در خدمت جنگ نیستند

سازمان دادن یورش فاشیستی به حزب توده ایران، حذف آن از عرصه مبارزه سیاسی کشور بود. تصادفی نیست که امپریالیسم امریکا در این زمینه دست همکاری بسوی هیئت حاکمه ج.ا. دراز کرد و "سیا" فهرست کادرهای حزبی را که گویا با دستگیری آنها می شد به فعالیت حزب پایان داد در اختیار ارگانهای جاسوسی رژیم گذاشت. اما گذشت زمان

حزب توده ایران در شرایطی بسیار دشوار، در محاصره دشمنان به مبارزه علیه رژیم استبداد قرون وسطایی ادامه می دهد. این نبرد نابرابر رو به گسترش، ثمره فداکاری و از جان گذشتگی توده ایهاست که علیرغم مشکلات به آرمان پرافتخار حزب خود، یعنی آرمان طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان وفادار ماندند. هدف رژیم "ولایت فقیه" از

نامه مردم

از گان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۱۸۳ دوره هشتم
سال چهارم سه شنبه ۱۳۶۶/۹/۱
بها ۲۰ ریال

جنگ یا صلح

خود دایر بر بسیج نیرو و نیز تامین مالی جنگ دچار مشکلات عظیمی است. توده های مردم دیگر حاضر نیستند "داوطلبانه" روانه کشتارگاهها شوند. آنها از جنگ بیزارند و بخوبی دریافته اند که جنگ یکی از عوامل بحران عظیم اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دامنگیر جامعه و یکی از علل گسترش بیسابقه فقر و دربدری است. جنگ صدها هزار خانواده را بی سرپرست گذارده و ده ها هزار جوان را برای همیشه علیل و زمینگیر کرده است. فتنه صاحبان ثروت بیکران - بازاریان مورد حمایت خمینی و یارانش - از جنگ سود می برند و ثروتمندتر میشوند. جنگ ارتجاع را هرچه بیشتر تعویت می کند و پرولتاریا را با انواع مشکلات روبرو می سازد.

جنگ یا صلح، مهمترین مسئله مورد بحث روز است. مبارزه سختی میان جنگ افروزان - از سردمداران رژیم ج.ا. گرفته تا امپریالیسم امریکا و متقی استراتژیک آن دولت اسرائیل - از سوئی و مبارزان راه صلح در درون کشور و برون از مرزهای آن جریان دارد.

در هفته های اخیر تبلیغ پیرامون ضرورت ادامه جنگ و حتی گسترش آن، به معنای کشاندنش به خاک برخی از کشورهای عربی و در درجه اول، کویت، از جانب هیئت حاکمه ایران با شدت کم سابقه ای جریان دارد. برای این نیز همه کسانی که قادر به حل تفنگ باشند باید روانه کشتارگاههایی بنام جبهه های جنگ گردند. سخن از تعطیل دانشگاهها و اعزام اکثر دانشجویان به جبهه در میان است، دانش آموزان بسیاری از مناطق را امیدارند تا با لباس نظامی همواره در حال "آماده باش" باشند. افزون بر مساجد و دیگر انواع ارگانها و نهادهای تبلیغاتی که داشا در کار فریب زحمتکشان هستند، اخیرا نهاد جدیدی بنام "شورای عالی پشتیبانی جنگ" بوجود آورده اند. هم تشکیل این نهاد جدید و هم فعالیت مذبحخانه آن نشان می دهد که رژیم در سیاست

آیا رژیم از بی آمدهای مخرب جنگ بی خبر است؟ البته نه! خمینی و دستیارانش از نتایج شوم جنگ باخبرند و درست به همین دلیل نیز حاضر به پایان دادن به آن نیستند. در واقع، موجودیت رژیم با جنگ گره خورده است. در صورت پایان دادن به جنگ صدها هزار کارگر و

بقیه در ص ۲

پس از نوجوانان و کودکان اینک نوبت به زنان رسیده است

برای خمینی و اطرافیان، به کشتن دادن مردان و زنان و حتی رکودکان ایرانی در راه هیچ و پوچ امری پیش یا افتاده است. از اینرو تصادفی نیست که هفته گذشته هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس و شخص مورد اعتماد خمینی از نوبیاد زنان افتاد و "بشارت" داد که از این پس زنان هم می توانند مانند مردان در میدان جنگ "شربت شهادت" بنوشند.

سپه بلا کردن کودکان و زنان یکی از شکردهای کهنه روحانیت است. از نزدیک به ۴۰۰ ایرانی بازی خورده ای که خمینی آنان را به امید "امداد غیبی" در "حریم خانه خدا" به کشتن داد، نصف بیشترشان زن بودند. و اینکه "سپاه پاسداران" از کودکان و نوجوانان ایرانی به منظور خنثی کردن میدان های مین استفاده می کند، بر کسی پوشیده نیست.

بقیه در ص ۲

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

جنگ ...

دهقان از جبهه ما به شهرها و روستاها باز خواهند گشت. آنها که همیشه با مرگ دست به گریبان بوده اند، بی تردید مصمم تر از پیش در راه دستیابی به حقوق پایمال شده خود مبارزه خواهند کرد. ادامه جنگ به سران رژیم امکان می دهد تا به بهانه باصطلاح "توطئه استکبار جهانی" از حربه ترور و اختناق در اداره امور کشور بهره گیرند. منع فعالیت علنی احزاب مترقی و انقلابی، از بین بردن سندیکاهای مستقلی کارگری، سرکوب فاشیستی هرگونه حرکتی برای احقاق حقوق زحمتکش، اعدامها و زندانهای درازمدت و همه و همه از جمله ریشه در سیاست ادامه جنگ دارد.

پس از پایان جنگ، رژیم باید به صدها هزار خانواده ایرانی پاسخ دهد: به چه علت عزیزان آنها را به کشتن داده است؟ تبلیغ باصطلاح جنگ "اسلام" علیه "کفر" که سران رژیم اینهمه روی آن تکیه می کنند برای اکثریت قاطع مردم قابل قبول نیست. کما اینکه مردم دیگر حاضر نیستند به تنگناهای ناشی از جنگ تن در دهند.

موسوی نخست وزیر رژیم در مصاحبه مطبوعاتی چند روز پیش خود، ضمن تایید ضرورت ادامه جنگ اظهار داشت: "... دولت تمام امکانات خودش را در این راه بکار خواهد گرفت. یعنی همه امکانات مالی، اقتصادی، پولی، تجهیزات و نظایر آنها و ... حتی امروز فعالیتهای پشت جبهه ای، فعالیتهای تولیدمان در آن حدی که انجام می شود، فعالیتهایی که در وزارتخانه ها در این ارتباط صورت می گیرد، همه بنوعی مرتبط با مسئله جنگ است". وی گفت: "... طبق بخشنامه ها و دستورالعملهایی که به وزارتخانه های مختلف شده و مصوباتی که شورای عالی جنگ داشته، همه دستگاهها در خدمت جبهه ما هستند". بدینسان سخن از نظامی کردن کل حیات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور می رود. تردیدی نیست که اقتصاد واپس مانده و ضعیف و ناتوان کشور نمی تواند پاسخگوی نیازهای مالی رو به افزایش سیاست ضدخلتی "جنگ، جنگ تا پیروزی" باشد.

کمتر کسی از سران رژیم را می توان نام برد که در هفته های اخیر در ارتباط با حملات نیروهای دریائی و هوائی آمریکا به قایق های تندرو و سکوها نفتی ایران، مسئله حمله متقابل به ایالات متحده را نه تنها در خلیج فارس، بلکه در سراسر جهان مطرح نکرده باشد. دوم آذرماه هاشمی رفسنجانی طی سخنرانی در جمع باصطلاح "سپاهیان محمد" گفت: "امروز صدها میلیون انسان چشمانش به شما دوخته شده و شما را تحسین می کنند و اینکه شما در حرکت انقلابی خود به آمریکا اعلان جنگ می کنید اعتبار بسیار باارزشی است که برای شما بوجود آورده است".

رفسنجانی دروغ می گوید و ستمسپه می کند. صدها میلیون انسان در جهان خواستار پایان دادن به جنگ ویرانگر ایران و عراق هستند، جنگی که در صورت ادامه و گسترش آن می تواند صلح و امنیت جهانی را به خطر اندازد.

بی سبب نیست که رفسنجانی در سخنرانی پیش گفته از اعلان جنگ "سپاهیان محمد" به آمریکا سخن به میان می آورد و موضع رژیم را در این مورد مسکوت می گذارد. سیر حوادث نشانگر آنست که هیئت حاکمه نمی خواهد با امپریالیسم آمریکا برخورد مستقیم داشته باشد. چرا؟ برای اینکه علیرغم تبلیغات ضد آمریکائی، رژیم در خفا با امپریالیسم آمریکا و متحدان آن در "ناتو" در تماس است. رژیم خمینی می گوشت تا نظر مساعد ایالات متحده و دولتهای اروپای غربی را جلب کند.

طبق اخبار رسانه های گروهی غرب، ج.ا. هنوز هم، با وجود افشای ماجرای "ایران گیت" از آمریکا و اسرائیل تجهیزات نظامی وارد می کند. علاوه بر این انگلستان، سوئد، ایتالیا، آلمان غربی، سوئیس، اتریش، برزیل، آرژانتین و غیره نیز در زمره کشورهای صادر کننده اسلحه به ایران هستند. چندی پیش مسئله فروش تجهیزات نظامی توسط انحصار اسلحه سازی فرانسه به ایران فاش شد. این ماجرا که دولت "سوسیالیست" میتران در آن دست داشت به "ایران گیت فرانسه" معروف شده است.

همه می دانند که در این اواخر مجلس سنای آمریکا معامله بازرگانی با ایران را ممنوع اعلام کرد. بدینسان معلوم شد که علیرغم شعارهای ضد آمریکائی، خمینی و یارانش معامله با شیطان بزرگ را آنی تعطیل نکرده بودند و سخنان نخست وزیر ج.ا. مبنی بر ممنوعیت خرید کالاهای تجارتنی و نظامی از آمریکا، از تیرماه ۶۲ و عدم فروش نفت به آن دروغ بیشرمانه ای پیش نیست. ایالات متحده یکی از خریداران عمده نفت خام ایران بود. فقط در هفت ماه اول سال ۱۹۸۷ میلادی ارزش نفت خام صادراتی ایران به آمریکا به یک میلیارد دلار رسید. این همان نفتی است که به عنوان سوخت در ناوگان جنگی، جنگنده ها و هلیکوپترهای متمرکز در خلیج فارس علیه کشور و مردم ما بکار برده می شود. آمریکا یکی از خریداران کالاهای سنتی صادراتی ایران، یعنی فرش و پسته نیز بود. در مقابل رژیم ج.ا. از آمریکا کامپیوتر و دیگر تجهیزات صنعتی و الکترونیکی وارد می کرد. جالب آن است که به نوشته مطبوعات خارجی انحصارهای اسلحه سازی سوئد و فرانسه و غیره برای ارسال اسلحه به ج.ا. از شبکه هوایی و دریایی سازمان جاسوسی آمریکا - "سیا" - استفاده می کردند. به بیان دیگر ج.ا. ارتباط با "سیا" را لحظه ای قطع نکرده است.

سران رژیم پیرامون "خودکفایی" در تولید

برخی سلاحها بسیار سخن می گویند و ایجاد کارخانه های اسلحه سازی در ایران را یکی از دستاوردهای "کارشناسان مسلمان" می دانند. اما واقعیت چیست؟ انحصارهای اسلحه سازی انگلستان، آمریکا، آلمان غربی، فرانسه و ایتالیا در ساختمان صنایع مونتاز برخی از سلاحها و انواع گلوله ها و ... با ج.ا. همکاری نزدیک داشته و دارند.

مثلا انحصارهای اسلحه سازی سوئد در تولید کارخانه باروت با رژیم همکاری می کنند. مهندسان شرکت آلمان غربی "فیلیپ برنر" در احداث صنایع تولید مواد منفجره، گلوله ضد هوایی، خمپاره و نیز مونتاز موشک با ج.ا. همکاری نزدیک دارند. موشکهایی که به موقع خود رفسنجانی پایان کار ساخت آنها را توسط "کارشناسان مسلمان" اعلام کرد، همان موشکهایی هستند که در زمان رژیم گذشته توسط کارشناسان آلمان غربی در ایران مونتاز می شد. در آن ایام کارشناسان آلمان غربی میدانی در حوالی سنن برای آزمایش آنها بوجود آورده بودند. از این میدان هم اکنون نیز بهره برداری می شود. انحصار اسلحه سازی انگلیسی "رویال اردنسی" مواد شیمیایی به ایران می فروشد و در تهیه سلاحهای شیمیایی با ج.ا. همکاری می کند.

سران ج.ا. با هزاران رشته مرئی و نامرئی با انحصارات آمریکائی و متحدان "ناتوئی" آن پیوند دارند و بهیچ وجه در صدد قطع این پیوندها نیستند. درست به همین سبب رژیم هیچگونه عکس العملی در برابر سیاست تجاوزگرانه امپریالیسم آمریکا از خود نشان نمی دهد و می گوشت جنگ را به خاک کشور سومی در منطقه، یعنی کویت بکشاند. این سیاست بطور کامل در خدمت تحقیر استراتژی آمریکا، که در صدد احداث پایگاههای نظامی در کشورهای عربی کرانه خلیج فارس است، قرار می گیرد. اخبار منتشر شده حاکی است که برخی از سران این کشورها اجازه انبار کردن تجهیزات نظامی آمریکایی در اراضی خود را داده اند.

تردیدی نیست که هدف امپریالیسم آمریکا از تمرکز هرچه بیشتر نیروی دریایی در خلیج فارس و کوشش در راه احداث پایگاههای نظامی در کشورهای عربی سرکوب هرگونه نهضت رهایی بخش در سراسر منطقه است. حضور نظامی فنال آمریکا در منطقه به بهانه "دفاع از آزادی کشتیرانی تمامیت ارضی کشورهای کرانه خلیج فارس و از جمله میهن ما را تهدید می کند. بنابر این مبارزه علیه جنگ که ادامه آن خواست سران رژیم ج.ا. و نیز امپریالیسم امریکاست، به وظیفه همه نیروهای طرفدار استقلال کشور تبدیل می شود. برای استقرار صلح باید مبارزه کرد. مبارزه نیز وقتی به پیروزی خواهد رسید که نیروهای میهن دوست و انقلابی بتوانند توده های میلیونی را بسیج کنند. راه دیگری وجود ندارد.

هموطنان، جبهه های جنگ را تحریم کنیم!

پس از نوجوانان و...

او گفت: "ما همیشه این خطر را داریم که با کفر جهانی به صورت وسیعی مواجه شویم که در آن صورت مطمئناً احتیاج به حضور زنان در میدان نبرد داریم."

ملاحظه می‌کنید، همان ریاکارانی که زنان را برای امر قضاوت ناشایست اسلام می‌کنند، شهادتشان را در دادگاه هم ارزش نصف شهادت مرد می‌دانند، از ادارات و وزارتخانه‌ها بیرونشان می‌ریزند، آنان را از ورود در بسیاری از رشته‌های دانشگاهی مثل دانشکده کشاورزی به این بهانه که گویا کشاورزی کار مردانه است، محروم می‌سازند، ناگهان جنگیدن تن به تن با کماندهای خونخوار امریکائی را کار زنانه تشخیص داده‌اند! ضحاک زمان خون می‌طلبید و چون در تنگنا افتاده، برایش خون مردوزن دیگر تفاوتی ندارد.

رئیس مجلس در "رهنمودهای خود در هفته بسیج" توصیه می‌کند: "سعی کنید زنان جوان را بیشتر جذب آموزشها و دوره‌ها کنید" و چنانکه گویی دارد امتیاز ویژه‌ای به زنان می‌دهد با بی‌حیائی خاصی می‌افزاید: "فرصت جدیدی برای خانها پیدا شده است. در زمان گذشته بسیار مشکل بود که ما صحبت از اسلحه گرفتن خانها و آموزش نظامی خانها کنیم."

البته "در زمان گذشته" می‌کوشیدند بهر قیمت زنان را از امور اجتماعی حذف کنند و به بستری خانه‌ها پنهان کردند و هزار و یک دلیل می‌آوردند که وظیفه اصلی زنان شوهرداری و تربیت "رزمنده برای اسلام" است و باید کارهای بیرون از خانه را به مردان واگذارند. خود آقای رفسنجانی چندسال پیش مدعی شد که "اسلام روحا با اختلاط زن و مرد، اگرچه با رعایت عفت باشد، مخالف است" حتی روزنامه‌ها بر حسب "روایات" بصراحت نوشتند که "جهاد با شمشیر بر زنان ساقط است" (رجوع شود به سلسله مقالات "کیهان" زیر عنوان "زنان حماسه‌ساز کربلا" - بخش مربوط به "ام‌وهب") اما اینک ۱۸۰ درجه تغییر موضع داده‌اند و می‌خواهند زنان را مستقیماً به خط مقدم جبهه پنهان کنند. گوئی امکان دارد زنان را جدا از مردان به جنگ ارتش زنان "کفر جهانی" فرستاد!

خمینی و اطرافیان‌ش بمثابه دشمنان مردم ایران می‌خواهند روی حسابهای نادرست و بخاطر دستیابی به آماجهای دست نیافتنی همچنان خون بریزند و خون بریزند. از مردان شروع کردند، به نوجوانان و کودکان رسیدند و اینک سراغ زنان آمده‌اند.

جاوید باد خاطره تابناک شهیدان

راه آزادی، استقلال،

عدالت اجتماعی و صلح!

دل‌م می‌خواهد زنده بمانم و... از يك نامه

تومان رسیده. این افزایش قیمت گوشتی با خرابتر شدن اعصاب مردم که می‌کوشند ناراحتی عصبی‌شان را با سیگار جبر ان کنند رابطه مستقیم دارد. پرداخت شهریه بچه، کسرا جباری مالیاتهای گزاف و پول برای کمک به جبهه از حقوق کارمندان دولت. باورکن نسیدنام چگونه باید زندگی کرد و چطور سرورته خرج خانه و دکتر و دوا و کرایه خانه را بهم آورد...

خوشحال باشی نه سسی. هر چند که تنهائی و غربت آزارت می‌دهد، لاقلاً بچه‌ات اگر مریض شود دکتر و دوائی پیدا می‌شود. بچه‌هایت امکان آموزش دارند. وقتی از ورزش صحبت گئی مسخره ات نمی‌کنند. حرف زدن از موسیقی کفر نیست. خوشحال باش که دختر هفت ساله‌ات مجبور نیست هر روز متعنه سیاه بسر کند و با رویوش و شلوار سرهای سیر، یا طوسی سیر، به هیئت پیرزنان دلگیر به مدرسه و کورچه برود. خوشحال باشی که پسر ۱۶ ساله‌ات وقتی بیرون می‌رود همیشه بازمی‌گردد و اسیر دژخیمان نمی‌شود. جلوی چشم خود پنج پسر هم سن و سال پسر ت را دیدم که انداختندشان توی ماشین گشت و بردند. معلوم نیست چه بلائی برشان بیاید و از کجا سردر بیاورند. بچه‌های ما، عزیزان ما، نیروهای جوان ما، خودشان، زندگی‌شان آینده‌شان، تحصیلشان، ازدواجشان و امتحان کارشان چگونه است و چه خواهد شد، معلوم نیست...

دل‌م می‌خواهد همینطور ادامه بدهم تا شاید گوشه کوچکی از واقعیت‌ها را بنویسم. اما باورکن باید کتابها نوشته شود تا شاید بشود گوشه‌ای از دردها را گفت...

دل‌م می‌خواهد زنده بمانم و شرایطی باشد که بتوانم به یک روز خوب و آفتابی فکر کنم.

از حقوق رنجبران و محرومان، او را به صفوف حزب کمونیست ایران و سپس حزب توده ایران راهبر شد. رفیق رحمانی که در ارتش خدمت می‌کرد، در سال ۱۳۰۶ به عضویت حزب کمونیست ایران و در سال ۱۳۲۰ به عضویت حزب توده ایران درآمد.

پس از قیام خلق در آذربایجان، در سال ۱۳۲۵ رفیق رحمانی همدوش با شماری از افسران توده‌ای، از سوی رهبری حزب برای پیوستن به ارتش خلق، به آذربایجان اعزام شد. او با تلاش پر بار خود نقش شایسته‌ای در سازماندهی ارتش نوپای خلق آذربایجان ایفا کرد. پس از شکست جنبش آذربایجان، رفیق رحمانی ناگزیر از مهاجرت گردید.

رفیق رحمانی در سالهای مهاجرت با بیگیری، به فعالیت پرثمر علمی و ادبی پرداخت و آثار پرارزشی درباره تاریخ ایران از خود بر جای گذارد. رفیق رحمانی، بعنوان دانشمند و پژوهشگر بنام، تا پایان عمر با سرافرازی و غروری بایسته به حزب و آرمانهای والای انسانیش وفادار و پایبند ماند.

در اینجا جان انسانها هیچگونه ارزشی ندارد. روی هر دیواری، در هر کوی و برزنی آگهی‌های ترحیم و تسلیت ردیف شده است. مرگ و میر مثل ریزش برگ درخت در فصل پاییز است. همه چیز، همه زندگی در اینجا بی ارزش است. بحرانی عمیق و فشرده چون دود جامعه را فرا گرفته است. شرایط طوری است و فشارهای اقتصادی بحدی است که زحمتکشان از تامین نان شبشان عاجز شده‌اند و...

اگر یک مریض سخت، مثلاً تصادفی، داشته باشی، شاید بعد از مراجعه به ۱۰ بیمارستان - که او را قبول نمی‌کنند - بتوانی نظریک بیمارستان را جالب کنی که او را بپذیرد. البته در صورتی که لاقلاً ۲۰ هزار تومان ودیعه بدی، در غیر اینصورت بیمار را بدخل بیمارستان راه نمی‌دهند. گاهی نیمه شب با بچه مریض که در بغل داری و باید برای پائین آمدن تب ۳۹/۵ درجه به او پنی سیلین تزریق شود، به داروخانه شبانه روزی که مراجعه می‌کنی، نمی‌توانی یک سرنگ پیدا کنی، موجود نیست، بچه کوچک توحق دارد فقط تا سن یک سال و نیم شیر خشک و شیر پاستوریزه بخورد...

صابون یک کالای لوکس بشمار می‌رود. پودر و داروهای ضد عفونی کننده اصولاً "لوکس" هستند. نباید در بازار باشند، مگر در بازار سیاه، آن هم به قیمت خون پدرشان. گوشت مرغ کیلویی ۱۴۰ تومان، گوشت یخی با استخوان و چربی ماهیانه ۷۰۰ گرم برای هر نفر. اغلب باید از ۴ صبح بروی توی صف و تا ۸ صبح که احتمالاً توزیع شروع شود بایستی. آیا به تو برسد، یا نرسد معلوم نیست. گوشت آزاد حداقل کیلویی ۲۵۰ تومان با استخوان و چربی. دفترچه ۴۰ برگ ۲۰ تومان. قیمت سیگار "تبر" در عرض کمتر از یکسال از ۱۴ تومان به ۷۵

گرامیداشت

رفیق ابوالحسن رحمانی



رفیق ابوالحسن رحمانی متولد سال ۱۲۸۸ در تبریز و یکی از پیشکسوتان جنبش کمونیستی و کارگری ایران در ۲۲ مهرماه ۱۳۶۶ چشم از جهان فرو بست.

در برخورد با زندگی سراسر رنج زحمتکشان و ستونکاری حکام خودکامه بود که انگیزه‌های پرتوان مبارزه انقلابی، در سالهای جوانی، در وجود رفیق رحمانی بیدار شد. پویندگی رفیق برای یافتن پیگیرترین سنگر پیکار در راه دفاع

گزیده هائی از کتاب

میخائیل گارباچف

(۲)

نواندیشی و جهان

دگرگونسازی و نواندیشی

برای ما و سراسر جهان

آنچه که امروز قابل قبول و کافی بنظر می‌رسد فردا ممکن است کهنه باشد. منطق روند نوسازی انقلابی جامعه چنین است.

دگرگونسازی در اتحاد شوروی و جهان سوسیالیستی

برای سوسیالیسم واقعاً موجود

... بدون در نظر گرفتن خصوصیات این یا آن کشور، بسیاری چیزها از تجربه اتحاد شوروی وام گرفته می‌شد. بدتر اینکه این برخورد قالبی، از نظر تئوریک توسط برخی صاحب‌نظران و بویژه از سوی پراگماتیک‌هایی که گاه خود را یگانه نگهبانان حقیقت وانمود می‌کردند "توجیه" می‌گردید. آنان، بی‌آنکه پدیده‌های نو و مسائل و ویژگی‌های کشورهای سوسیالیستی را به حساب آورند، گاه نسبت به جستارهای آنها سوءظن نشان می‌دادند. از سوی دیگر، در برخی کشورهای سوسیالیستی گرایش به تنیدن در خود نمودار شد که زمینه مساعدی را برای ارزیابی و عمل ذهنی فراهم می‌ساخت...

یکی از برتری‌های سوسیالیسم استعداد آموختن آن است. آموختن راه حل مسائلی که زندگی مطرح می‌کند، آموختن پیشگیری از پیدایش وضعیت‌های بحرانی که دشمن ما می‌کوشد بیافریند و از آنها بهره برداری کند، آموختن مقابله کردن با کوششهایی که به منظور تفرقه افکنی در جهان سوسیالیسم و به رویارویی کشاندن کشورها صورت می‌گیرد، آموختن جلوگیری از برخورد منافع دولت‌های مختلف سوسیالیستی با یکدیگر، هماهنگ ساختن آنها و یافتن راه حل‌های قابل قبول طرفین برای بفرنج‌ترین مسائل.

بسوی مناسبات نوین

... ما می‌کوشیم در فعالیت‌های میاری اقتصادی، اداره بازی، کمیته و کمیسیون سازی کمتر باشد و توجه به سوی امرهای اقتصادی، ابتکار، کاردانی و جذب گروه‌های کار در این روند معطوف گردد. هم ما و هم دوستانمان برآنیم که باید شورای میاری اقتصادی را از فعالیت "بیهوده" و چرخ و فلک کاغذی‌ها سازیم.

جهان سوم در جامعه جهانی

حق گزینش راه رشد متعلق بخود

همه خلق‌ها باید از حق گزینش راه رشد متعلق بخود، از حق حاکمیت بر سرنوشته خود، سرزمین خود و منابع طبیعی و انسانی خود برخوردار باشند. اگر همه سیاستمداران و همه دولت‌ها به این نتیجه نرسند، مناسبات بین‌المللی را نمی‌توان در مسیر عادی سوق داد. مگر نه این است که تغاوت‌های ایدئولوژیک و اجتماعی و تمایزات در نظام‌های اجتماعی هم نتیجه گزینش است که خلق‌ها انجام داده‌اند؟ پس این گزینش نیز نباید دستاویز پیدایش اینگونه رویدادها در مناسبات بین‌المللی بشود، زیرا می‌تواند تبدیل به درگیری‌ها و یا برخورد نظامی گردد.

نه چپه گیری بلکه همکاری

اطمینان دارم بشریت هنگامی به این مرحله رسیده است که همه وابسته به یکدیگر شده‌اند. نباید یک کشور را از کشور دیگر - یک خلق را از خلق دیگر جدا کرد و بدتر از آن آنها را در برابر هم قرارداد. به زبان کمونیستی این را انترناسیونالیسم می‌نامند. این امر با ارزش‌های عمومی بشری همخوانی دارد.

سرانجام محافل حاکمه غرب هم مجبور خواهند شد منافع خلق‌های جهان سوم را به حساب آورند.

ما جهان معاصر را چگونه می‌بینیم

نواندیشی سیاسی

... هنگامی که در کنگره ۲۷ خود به این دریافت (کنسیسیون) رسیدیم که مجموعه جهان معاصر پر از تضاد و در عین حال هم پیوند و همبسته است، بنای سیاست خارجی خود را بر همین پایه گذاشتیم. آری، تا آنجا که به گزینش اجتماعی، اعتقادات ایدئولوژیک و مذهبی، و شیوه زندگی مربوط می‌شود، ما متفاوت باقی می‌مانیم. اما چه کنیم؟ آیا بخاطر آنها بسوی یکدیگر تیراندازی کنیم؟ آیا صحیح‌تر این نیست که بخاطر منافع مشترک بشریت و بخاطر بقای زندگی در روی زمین، از آنچه که ما را از هم جدا می‌کند بگذریم؟ ما راه خود را با تاکید بر نواندیشی سیاسی و سخنانی که متعهدمان می‌سازد و با اقدامات و گام‌های مشخص برگزیدیم.

اصل ریشه‌ای و پایه‌ای نواندیشی سیاسی ساده است: جنگ هسته‌ای نمی‌تواند وسیله دستیابی به آماج‌های سیاسی، اقتصادی، ایدئولوژیک و نظایر آنها باشد. این نتیجه گیری برآستی سرشت انقلابی دارد، زیرا به معنی آن است که تصورات سنتی پیرامون جنگ و صلح از ریشه زده شود. مگر نه اینکه نقش سیاسی جنگ همیشه توجیهی برای مفهوم "تعقلی" آن بوده است. جنگ هسته‌ای بی‌معنا و نابخردانه است. در درگیری هسته‌ای جهانی، نه پیروزمنند وجود خواهد داشت و نه شکست خورده، اما تمدن جهانی ناگزیر خواهد مرد. این در واقع حتی جنگ به مفهوم عادی آن نیست، بلکه خودکشی است.

راه ما بسوی نواندیشی

ما مدعی درس دادن به دیگران نیستیم. به درس‌های بی‌پایان دیگران گوش فراداده‌ایم و به این نتیجه رسیده‌ایم که این آموزش بیهوده‌ایست. پیش از هر چیز خود زندگی نواندیشی را می‌آموزاند. ما خود گام به گام بسوی آن رفته‌ایم و بتدریج آن را فرا گرفته‌ایم و اندیشیدن به گونه‌ای نودباره تصورات عادی پیرامون مسائل جنگ و صلح، مناسبات متقابل دو نظام و مطالعه ژرف در مسائل جهانی را آموختیم.

هسته نواندیشی قبول اولویت برای ارزش‌های همه بشری و دقیق‌تر - حفظ بقا، بشریت است.

"دست مسکو"

در پیوند با "دست مسکو" معروف می‌خواهم مطالب زیر را بگویم. موافق جهان‌بینی مارکسیستی آینده تعلق به جامعه بری از بهره‌کشی انسان از انسان و یوغ ملی و نژادی دارد. آینده متعلق به اصول عدالت اجتماعی، آزادی و تکامل همه جانبه شخصیت است. اما این امری است که هر خلقی خود باید تصمیم بگیرد که آیا آن را راهنمای خود بسازد یا نه و در دگرگونسازی زندگی خود آیا بدنبال آنها برود و اگر آری - به چه شکل‌هایی و با چه آهنگی؟

توان انترناسیونالیستی نواندیشی

... شکل گرفتن نواندیشی تبادل نظر پرتب و تاب نه فقط با هم‌فکران، بلکه با کسانی را می‌طلبد که نمایندگان دیدگاه‌های دیگری هستند. دیدگاه‌هایی که خواه از نظر فلسفی و خواه از نظر سیاسی با دیدگاه‌های ما تفاوت دارد.



اروپا در سیاست خارجی اتحاد شوروی

اروپا خانه مشترک ماست

... اروپا پراستی خانه مشترک ماست که در آن از نظر جغرافیایی و تاریخی سرنوشت ده ها کشور و خلق به هم پیوند خورده است. البته هر یک از آنها مسائلی خود را دارد و هر یک می خواهد به شیوه خود و بر حسب سنتهای خود زندگی کند.

از این رو اگر تشبیه را ادامه دهیم، می توان گفت: خانه مشترک است اما هر کس اتاق خود را دارد و درهای ورودی هم متفاوت است. اما تنها با رعایت قواعد خردمندانه زندگی مشترک است که اروپایی ها، با هم دسته جمعی، می توانند خانه را حفظ کنند، آن را از آتش سوزی و دیگر بلاهای درامان دارند، زیباتر و بی خطرترش سازند و در آن نظم لازم را برقرار نگه دارند.

اروپا و خلع سلاح

... آن زمان فرا رسیده است که به افسانه های "تجاوزکار" بودن اتحاد شوروی نقطه پایان گذاشته شود. هیچگاه، در هیچ اوضاع و احوالی، اگر ما و متحدانمان از جانب "ناتو" مورد حمله قرار نگیریم، کشور ما دست به عملیات نظامی علیه اروپای غربی نخواهد زد. تکرار می کنم هیچگاه!

همکاری در اروپا

... می گویند برنامه غیر نظامی "جنگ ستارگان" در برابر اروپا راه را برای جهش تکنولوژی می کشاید. این یک مردم فریبی تمام عیار با درونمایه امپریالیسم تکنولوژیکی است. راهها و موضوعات بسیاری برای همکاری مسالمت آمیز علمی - فنی وجود دارد.

مسئولیت اروپا

... نه در سیاست جهانی و نه در توسعه و تکامل جهانی، هیچ عاملی نمی تواند جانشین اروپا، با امکانات عظیم و تجربیاتش گردد: نقش اروپا می تواند و باید سازنده، نوآورانه و نیکخواهانه باشد.

مسائل خلع سلاح در مناسبات اتحاد شوروی - آمریکا

ایالات متحده آمریکا - شهری فروزان بر فراز تپه؟

صادقانه می گویم، از آنچه می دانیم چنین برداشت نمی شود که ایالات متحده آمریکا به مثابه شهری فروزان بر فراز تپه است. همچنین بطور مشخص می توانم بگویم که ما ایالات متحده آمریکا را "امپراطوری خبیث" محسوب نمی کنیم. در ایالات متحده آمریکا نیز مانند هر کشور دیگری روشنائی ها و سایه ها یافت می شوند. ما ایالات متحده آمریکا را آنطور که در واقع هست می بینیم، مجموعه تنوع عقاید و داوری ها در جامعه آمریکا و در مورد جامعه آمریکا را می بینیم.

باز هم بهرامون واقعبات

برای ایدئولوژی ردائی در مناسبات بین المللی

اعتقاد ژرف دارم مدت ها است آن زمان فرا رسیده که با چشمان باز به جهان بیرامون خود بنگریم، درباره تجربه های گذشته بیندیشیم و بدون ترس

ارزیابی کنیم که به کجا رسیده ایم. هنگامی که یک کشور، کشور دیگر را "خبث مطلق" و خود را "حسن مطلق" اعلام می کند، این، مناسبات را به بن بست می کشاند. منظورم شیرین زبانی ضد کمونیستی آنان نیست، گرچه زبان های آن بزرگ است. من از ناتوانی و بی میلی به درک یکسان بودن نسل انسانی و سرنوشت مشترک انسانها، درباره لزوم آموختن زندگی در کنار یکدیگر، روی یک سیاره معین، بگونه ای صحیح و منطبق با تمدن سخن می گویم.

سورآتوریوم

... افکار عمومی جهان پی برد که آزمایش های اتمی می تواند قطع شود و می داند کی با آن مخالف است. درست است که در آن هنگام شانس تاریخی در راه قطع مسابقه تسلیحاتی مورد استفاده قرار نگرفت، اما درسهای سیاسی از مجموعه این رویدادها بی بهره نبود. امروز هم، وقتی که توافق شده است تا اول دسامبر ۱۹۸۷ گفتگوهای همه جانبه و مرحله بندی شده درباره مسائل آزمایش های هسته ای آغاز شود، ما می توانیم بخود و به همه تبریک بگوییم که بالاخره چرخ کار براه افتاد.

درس چرنوبیل

... در دفتر سیاسی کمیته مرکزی بارها واقعه را مورد بررسی قرار دادیم. پس از اینکه نخستین خبر را دریافت کردیم فهمیدیم وضع بسیار جدی است و ما، هم در مورد ارزیابی حادثه و هم درستی نتیجه گیری ها مسئولیت داریم. تمام خلق و سراسر جهان کار ما را زیر نظر دارند. اگر بیاندیشیم که می توانیم به تدابیر نیم بند بسنده کنیم و یا به حيله گری روی آوریم نارواست. اطلاعات کامل و عینی در مورد حادثه ضروری است. موضع گیری با ترس و بیم سیاست ناشیستی است. هیچگونه نفعی که بتواند انگیزه ما برای پوشاندن حقیقت شود وجود ندارد.

ریکیاویک

... ریکیاویک نقطه عطی در تاریخ جهانی شد و آشکارا امکان بهبود اوضاع جهان را نشان داد. وضعی بوجود آمد که کینیتا با پیش از آن تفاوت داشت. هیچ کس دیگر نمی تواند بگونه ای عمل کند که پیش از ریکیاویک عمل می کرده است. ریکیاویک ما را به درستی مشی انتخاب شده، به ضروری بودن و سازنده بودن نواندیشی سیاسی معتقد کرد.



پایان سخن

هنگام آن رسید که نقطه پایان را بگذاریم... اما چند کلمه دیگر به عنوان پایان سخن. اعتقاد عمیق دارم که کتاب تمام شده نیست و نمی تواند تمام شده باشد. باید برگهای دیگر آن را با کار، با عمل برای دستیابی به آن هدفهایی که می کوشیدم در صفحات کتاب صادقانه درباره آنها سخن بگویم، بنویسم. دگرگون سازی به آسانی و به سادگی امکان پذیر نیست. روی هر گام خود نتادانه می اندیشیم، با نتایج عملی خود را با زرسی می کنیم و عمیقاً می فهمیم: آنچه که امروز قابل قبول و کافی بنظر می رسد، فردا ممکن است کهنه باشد. منطق روند نوسازی انقلابی جامعه چنین است...

- تولید لاستیک اتومبیل به میزان زیادی - و در برخی کارخانه ها حتی تا ۹۰ درصد - کاهش یافته و قیمت دولتی آن به تناسب نوع لاستیک ۲ تا ۳ برابر افزوده شده است.

- تا سال ۶۵ مادران هم می توانستند از "حساب پس انداز سرمایه" فرزندان شان که به سن قانونی نرسیده اند برداشت کنند. در سال جاری، طبق بخشنامه ای به بانکها، این حق از مادران سلب و تنها به پدران داده شده است.



- به دوایر "حراست" برخی از ادارات دولتی ابلاغ شده که کارمندان "مشکوک" را زیر نظر داشته باشند و با دقت رفت و آمدها و ساعات ورود و خروج را کنترل کنند.

- فرمانده لشکر ۸۸ بلوچستان، مستقر در جبهه جنوب، در نامه ای به خامنه ای به ناراضی سربازان به دلائل گوناگون اشاره کرده و نوشته است که با این وضع دیگر نمی شود جنگید.

- موارد زیادی دیده شده که عوامل رژیم پلاک مینی بوس هائی را که حاضر نیستند راه جبهه را در پیش گیرند، کنده اند.



چند خبر کوتاه

دزد به جای قاضی

"عده ای از تجار و زراندوزان که با بهره برداری از شرایط استثنائی به جمع آوری مال می پردازند و دسته دیگر مردم محروم و مستضعف که شرایط زندگی هر روز برای آنها سخت تر می شود". آشکار است که تجار و زراندوزان درصد کمی از جمعیت کشور را تشکیل می دهند که نقدینه بیش از ۱۲۰۰ میلیارد تومانی را در اختیار دارند و با بهره گیری از "شرایط استثنائی" چون زالو بجان زحمتکشان افتاده اند و خونشان را می مکند. اما دسته دوم اکثریت مردم را شامل می شود که شمارشان دهها میلیون نفر است.

باید از محتملی پرسید که نقش وزارت کشور و سازمانهای تابعه آن در مراکز استانها، شهرها، مراکز بخشها و روستاها در بوجود آمدن "شرایط استثنائی" برای زراندوزان چیست؟ بی تردید او جرات اعتراف به این واقعیت را ندارد که از جمله دستگاه عربض و طویلی که او در رأس آن جا خوش کرده است عامل اعمال تبعیض و گسترش فقر و محرومیت است. کافی است که عملکردهای مخرب بسیاری از استاندارها، فرماندارها، بخشدارها، روسای ژاندارمری و شهربانی و کمیته ها را در اشاعه فساد و رشوه خواری و همکاری با غارتگران اجتماعی مد نظر بگیریم تا واقعیت را بهتر درک کنیم.

امروزه دولتمردان ج.ا. و مطبوعات مجاز کشور به لطایف الحیل می خواهند ثابت کنند که "نظام در خدمت عموم مردم است" (نخست وزیر) و یا از سخنان اخیر وزیر کشور چنین استنباط می شود که گویا این "مخالفتان نظام"، از جمله در میان روحانیون و مراجع تقلید، هستند که مثلا در امر مبارزه با گرانفروشی و "تعزیرات حکومتی" چوب لای چرخ می گذارند و با "غیرشرعی" شمردن آن "مقلدان" خود را به عدم پیروی از دستورات "ولی فقیه" تشویق می کنند. و یا "تروویسم اقتصادی ... بیشتر بصورت پنهان ویا با زدن ماسک و سواستفاده از واژه های مقدس و مورد احترام امت اسلامی وارد کارزار می شود" ("جمهوری اسلامی" - ۱۴ مهر ۶۶). روشن است که بیان چنین نظریاتی برای رد گم کردن است. گویندگان این نظریات که خطر رابیخ گوش خود و رژیم احساس می کنند مذبوحانه می کوشند تا از سوئی نیروهای مختلف در درون حاکمیت را متحد کنند و با ایجاد نوعی تعدیل در سیاست اقتصادی - اجتماعی زمینه بقای حکومت ج.ا. را فراهم سازند و نیز از سوی دیگر ذهن توده ها را از دشمن اصلی، یعنی خود رژیم، منحرف سازند. آنها معتقدند که نیروهای انقلابی و مترقی با استفاده از بحران جاری و شعبهای همه جانبه حاکمیت ج.ا. "زمینه برای سربازگیری پیدا خواهند کرد".

"شرعی" بودن یا نبودن تثبیت قیمت ها موضوع بحث محافل مختلف حاکمیت ج.ا. است. به رغم همه سروصدهائی که بر سر مبارزه با گرانفروشی و "تعزیرات حکومتی" براه انداختند و هنوز هم ادامه دارد روشن است که این برنامه رژیم نیز با شکست محتمل روبرو شده است، چرا که دزدان و غارتگران اجتماعی خود تکیه بر جای قاضیان زده اند و سر رشته امور را در دست گرفته اند. در این زمینه یکی از نمایندگان مجلس از عمده فروشان، جریانهای منفی، گرانفروشان، محتکران و فرصت طلبانی یاد می کند که در کمیسیونهای مربوطه نقش "معتدالملة" را بازی می کنند و با حکم اینکه "علم کمیسیون به تخلیه" کافی است "افراد جزو بدبخت" را تحت پیگرد قرار می دهند و اسمشان را هم در روزنامه ها اعلام می کنند.

محتملی، وزیر کشور، در "سینار فرمانداران ... می گوید: "اگر ما بخوایم قیمت را تثبیت کنیم مخالفان می گویند این امر شرعی نیست" و یا وقتی که پای "مسئله قیمت گذاری و اجرای دستورات حکومتی" پیش می آید عذر می آورند که "من مقلد فلان آقا هستم و فلان آقا". او در گفتار خود دگر بار بحث بی سرانجام "احکام اولیه" و "احکام ثانویه" را بیان می کشد و کسانی را مورد انتقاد قرار می دهد که معتقدند "اسلام با ثروت اندوزی و سرمایه گذاری و تجارت مخالف نیست".

چرا وزیر کشور بر طرح این مسائلی می پردازد؟ به گفتار خود او مراجعه می کنیم که در آن نگرانی خویش را از دگرگون شدن وضع و تبدیلی شدن فقر به "کفر" ابراز می دارد و می گوید: اگر چنانچه "قوانین - اسلامی پیاده نشود، تبعیض وجود داشته باشد و کسانی بخواهند اموال "مسلمین" را احتکار کنند "فقرا و محرومین طغیان خواهند کرد". "دشمنان اسلام درصند که صاحبان اصلی انقلاب را از انقلاب جدا کنند و اگر دشمن موفق به این کار شود طبیعی است که انقلاب (بخوان: رژیم ج.ا.) سقوط خواهد کرد". محتملی پیش از این نیز به رژیم اعلام خطر کرده بود. علاوه بر او دیگر دولتمردان ج.ا. نیز از دادن هشدار و اظهار نگرانی ابا نکرده اند. مثلا چندی پیش (۱۸ مهر) شرحی زاده، وزیر کار و امور اجتماعی، نیز در سیناری گفت: "بقای یک نظام اسلامی در رسیدگی به نیاز نیازمندان است و اگر در نظامی ثروت در دست عده ای باشد و به نیاز نیازمندان رسیدگی نشود آن نظام محکوم به فناست". در واقع امثال وزرای کار و کشاورزی حاکمیت ج.ا. را روی پوست خربزه می بینند و می ترسند که مبادا حکومت قتها دود شود و به آسمان برود.

محتملی مردم را به دودسته تقسیم می کند:

جمهوری بی قانونی مطلق

پس از تسلط استبداد قرون وسطائی مذهبی، ساکنان یکی از کویهای تهران، بمنظور چند لحظه فراموش کردن اندوه زیستن در جمهوری اسلامی، سرشبه ها در پارک، محل جمع می شدند و با هم چای و گاه شام می خوردند. اما شبی ناگهان پاسداران پارک را محاصره کردند و حدود شصت تن را که در آنجا سرگرم وقت گذران بودند با خود به زندان اوین بردند.

در میان دستگیرشدگان یک زن و شوهر بهائی هم با دو فرزند خود بودند. هنگام بازجویی، مرد که خود را در بن بست میدید و میترسید رازش فاش شود ناچار اعتراف کرد که خودش بهائی ولی همسرش مسلمان است. تصورش بر این بود که لااقل همسرش را از مجازات خواهد رها کنید. اما حکام "شرع" زندان اوین به او چنین گفتند: اگر اینطور باشد، با زنت کاری نداریم ولی خون خودت و بچه ات حلال است. اگر تو مسلمان بشوی ولی در مورد زنت دروغ گفته باشی، مجبوریم زنت را بکشیم. اما اگر مردوتان مسلمان بشوید رهایتان می کنیم تا بی کار خود بروید. و این زن و شوهر بهائی، برای نجات جان کودکان خود بالاچاره در "محضر" یکی از آیت الله ها حضور یافتند و به دین اسلام و مذهب شیعه اثنی عشری گرویدند.

اگر روزنامه های مجاز کشور را ورق بزنیم، همه روزه در صفحات آنها، نمونه های این قضاوت فقهائی را خواهیم یافت.

در محاکمه زن و شوهری که مشترکا متهم به کشتن مردی بودند که گویا بمدت سیزده سال با آن زن رابطه داشته است. رئیس دادگاه خطاب به مرد متهم گفت اگر شما ثابت کنی که برای دفاع از ناموس آن مرد را کشته ای، ما نه تنها تو را مجازات نمی کنیم بلکه تشویقت هم خواهیم کرد!

قوه قضائیه و وزارت دادگستری برای اینست که مانند دوران زندگی قبیلله ای، انتقام گیریهای شخصی در مناسبات میان مردم حاکم نباشد و هر کسی خودسرانه قاضی و دادستان و جلاذ و نشود و حکم محکومیتی را که به میل خود درباره دیگران صادر کرده و یا با سوء اجرا نگذارد. اما بنظر میرسد در این زمینه هم ما به دورانی مرده تاریخی بازگردانده شده ایم.

در روزنامه می خوانیم که دادگاههای "شرع" مردم را به گناه "ملحد" و "مشرک" بودن محکوم به مرگ و تیرباران می کنند. گرچه این نوع اتهامات در اکثر موارد دروغ مطلق و نوعی "کلاه شرعی" برای کشتن مخالفان رژیم است ولی آیا میتوان در دنیای معاصر، بر این نوع برخورد با دارندگان عقایدی مغایر با عقیده حاکم صحه گذاشت؟

بنامه در ص ۸



اجرای قطعنامه شماره ۵۹۸ خواست مردم ماست

شاعران راستین در خدمت جنگ نیستند

در اوضاع و احوال کنونی که رژیم در مرحله نوین بسیج نیرو دیوانه دار بر طبل "جهاد" مالی و جانی میکوبد، جناب سردبیر کنگره شعر جنگ نیز به نوبه خود شاعران را برای الهام گیری هر چه بیشتر و زنده تر به جبهه می خواند: "لازمه این که یک شاعر بتواند برای جنگ و جبهه شعر بگوید این است که از نزدیک دستی بر آتش داشته باشد و با تمام وجود فضای جبهه را لمس کند." هنرمندان راستین مترقی و مردم دوست، از جمله شاعران میهن ما، نه تنها خود از شرکت در جبهه سرباز می زنند، بلکه استعداد جوشان خود را بسود صلح و در خدمت تحریم جبهه های جنگ می گذارند. هنرمندان متعدد راه هنرمند نمایان مزدور را در پیش نمی گیرند که کارشان تعدیس جنگ و زمینه چینی تهیه جی برای روانه سازی انسانها به کشتارهایی بنام "سلخ" یا مکتب "عشق" است. شاعران خلعتی ما که خود شاهدی بر شخم خوردن هر روزه سینه خاکها خونین میهن ما با بسب و گلوله هستند، زیباترین چکامه های خود را در دفاع از حق زندگی، در دفاع از صلح و در دفاع از آزادی می سرایند و بدانها جاودانگی می بخشند.

پشتکار،...

تور و اختناق نیز تشدید می شود. هم اکنون جاسوسان رژیم در بدر در جستجوی هسته های مخفی حزبی هستند. طبق اخبار بدست آمده وزارت اطلاعات گروه ویژه ای را برای کشف "هسته های جدید" حزبی تجهیز کرده است. نباید این تلاش رژیم را نادیده گرفت. باید بدون دست کم گرفتن و نیز بهای بیش از حد دادن به ارگانهای سرکوبگر به مبارزه ادامه داد و در عین حال هر هسته با هشجاری تمام و دقت همه جانبه مواظب باشد که در تور نامرئی دشمن نیافتد.

برای مقابله موفقیت آمیز با توطئه های سازمانهای اطلاعاتی رژیم باید به رهنمودهای حزب درباره پنهانکاری دقیقاً عمل کرد. مراعات انضباط همین شرط عمده پیروزی در مبارزه علیه ارگانهای سرکوبگر است. رفقای ما در هر کجا که هستند نباید لحظه ای فراموش کنند که حزب در حال فعالیت مخفی است. در شرایط کار مخفی حفظ اسرار حزبی از جمله اصول اساسی بشمار میرود. باید با هرگونه تمایلی که بخواهد ما را از مراعات اصول پنهانکاری و مراعات انضباط آگاهانه منحرف سازد، شدیداً مبارزه کرد.

خودش را از اتهام بزرگ بی خطی، بی دردی و عافیت طلبی شستشوده و ثابت کرده است که هنر و ادبیات می تواند در تمام لحظات تاریخ در کنار امت های بیخاسته باشد... ("کیهان ۱۶ آبانماه ۶۶).

آشفته اندیشی که از زبان رژیم چنین سخنانی را بر زبان می آورد در واقع از شاعران می طلبد به همدست تمام عیار تبهکارانی تبدیل شوند که جنگ را به بهای کشتار هر روزه هزاران انسان ادامه می دهند. کدام هشیار انساندوست، بر مثنوی شعارهای پوچ جنگ طلبانه و بر بازی شوم با کلمات برای توصیف قلب شده ماهیت "سنگرهای خون آلود جبهه های جنگ" و "در دل یک جانباز"، نام "شعر انقلاب" می گذارد؟ کدام شاعر آگاهی در "عشق به شهادت" بخاطر آماجهای ماجراجویانه و توسعه طلبانه خمینی "زیبائی" می بیند. هنرمند نمایانی که هنر خود را در خدمت جنگ امپریالیسم برافروخته می گذارند، در حقیقت امر، خود را رویاروی خلق و در "خط" سیاهکارترین دشمنان مردم قرار می دهد.

در جهان امروز، از جمله در میهن ما، تنها شاعرانی شعرشان با "جاودانگی حماسه ها گره" می خورد که از آرمانهای نیکخواهانه بشری همانند صلح، آزادی، عشق به انسان، برادری خلتها و همبستگی بزرگ انسانی برای مقابله با نیروهای شر و برقراری داد و دادگری، سرشار باشد. شعر انقلاب، از نظر مضمونی، باید نه تنها با درک و بیان کلیدی ترین مسائل جامعه ای که شاعر در آن می زند، بلکه همچنین جامعه انسانی در آمیختگی سرشتی داشته باشد. شاعری که درباره مثلاً "زیبایی" کشته شدن کودکان نارس در میدانهای مین بخاطر هدفهای بلندپروازانه ضدبشری خمینی یا "زیبایی" قارچهای هسته ای" شعر سراید و بخواهد انسانها را برای پا گذاردن در این دوزخها به هیجان آورد و دلگرمی بخشد، شاعر نیست، دیوانه و تبهکار است.

شعر آن شاعری بعنوان یک اثر و عمل تاریخی "جاودانه" می شود که قوانین رشد و تکامل هستی و جامعه انسانی و همچنین پدیده های بالنده زندگی را ببیند و حقیقت را منعکس کند. شاعر مترقی و مردم دوست در هر روز همزیستی و هم نشینی با توده های مردم بسادگی و با گوشت و پوست خود می تواند حقیقت خواستها و زندگی آنها را درک کند. حقیقت خواستها و زندگی توده های وسیع زحمتکشان نیز از جمله عبارتست از، صلح، آزادی، کار، نان، آن هنرمندی که نیازهای مادی و معنوی جامعه انسانی و زحمتکشان را در نظر نگیرد، آفریده اش زاده نشده، می میرد و گورزاد می شود.

رژیم جمهوری اسلامی از هر حربه، رویداد و زمینه مناسبی برای تدارک گوشت دم توپ و گرم نگه داشتن تنور سوزان جنگ بهره میگیرد. هنر- از شعر سرایی و داستان نویسی گرفته تا نقاشی و خوشنویسی - یکی از عرصه هایی است که رژیم، هر چند با خام دستی، تلاش تب آلودی را بکار می بندد تا آن در راستای آماجهای ضد انسانی خود، از جمله و بویژه در ادامه جنگ خانانوسوز ایران و عراق، حداکثر بهره برداری را بعمل آورد. براه انداختن کنگره هایی همانند "کنگره شعر جنگ" یا "کنگره شعر و ادب سراسری در کنار رزمندگان" جلوه هایی از این تلاش را به نمایش می گذارد. واپسین جلوه آن نیز که در دستور العمل ماده ای اخیر "شورای عالی پشتیبانی جنگ" پیرامون "جهاد مالی و جانی بازتاب یافته، عبارتست از قائل شدن وظیفه "نشر فرهنگ جهاد" برای هنرمندان.

در شرایط کنونی، محتوای تبلیغاتی هنر فرمایشی در جمهوری اسلامی اساساً از ایدئولوژی مذهبی و "مسئله اصلی رژیم" یعنی جنگ مایه می گیرد. رژیم تاریک اندیش "ولایت فقیه"، قطع نظر از مشتاقی هنرمند نمایانی که به خدمتش کمر بسته اند، بر هر دری می کوبد تا هنرمندانی را با تطبیع یا تهدید به صحنه ستایش از شوم ترین مفاهیم، پدیده ها و اندیشه های ضدبشری بکشاند. حکام مرتجع جمهوری اسلامی می خواهند سیاست و عملکرد ضدخلعتی و ضد ملی خود را با رنگ و روغن "هنر اسلامی" بپارایند. آنان که سیاست ادامه جنگشان از جمله بخاطر مخالفت اوچگیرنده توده های مردم، باین بست خروج ناپذیر روبرو شده است، در تکاپوی آنند که با یاری جویی از هنر و هنرمندان به تبلیغات و آوازگریهای پر دامنه دست زنند، بذریلیدترین و خونبارترین اندیشه های ضدبشری همانند جنگ پرستی، مرگ اندیشی و ویران خواهی را در اذهان ساده بیافشانند و از این رهگذر به "تهییج و بسیج مردم" برای پذیرش "جهاد" یاری رسانند.

بر این بنیان و در این چارچوب، دبیر بی نام "کنگره شعر جنگ" طی کمتکوئی نقطه نظرات خویش را درباره "شعر جنگ" بر زبان می آورد. او در معنا کردن "شعر جنگ" از جمله می گوید: "به اعتقاد ما شعر جنگ، همان شعر انقلاب است... شعر جنگ ایده آل های خود را... در سنگرهای خون آلود جبهه ای جنگ... جستجو می کند. شاعری که برای جنگ و برای رزمندگان... از مقاومت، از شب حمله، از عشق به شهادت، از آخرین لحظه پخاک افتادن یک شهید، از درد دل یک جانباز حرف می زند... در حقیقت شعر خودش را با جاودانگی این حماسه ها گره زده است. شعر

نابود باد جنگ، زنده باد صلح!

دفاع از مردم ایران در ژاپن

به کوشش گروهی از کارگران و روشنفکران مرفقی ژاپنی، روز ۲۱ سپتامبر در این کشور "کمیته دفاع از مردم ایران" تشکیل شد. همان روز گروهی بنیادنگی از سوی "کمیته" به سعادت ج.ا. در توکیو مراجعه کرد و با ارائه درخواست کتبی خواستار قبول قطعنامه ۵۸ شورای امنیت و آزادی تمام زندانیان سیاسی شد. "کمیته دفاع" اعدام زندانیان سیاسی را شدیداً مورد اعتراض قرارداد. روز ۲۲ سپتامبر نیز کمیته با استفاده از بلندگو، پوستر و پخش اعلامیه در نزدیکی ایستگاه "اونو" در توکیو به تظاهرات علیه جنگ ایران و عراق پرداخت. گزارش فعالیت "کمیته دفاع از مردم ایران" در روزنامه "شیواندو"، ارگان این جمعیت (۱ اکتبر ۸۷) انتشار یافته است. همچنین این روزنامه تحت عنوان "صلح در خلیج فارس" می نویسد: اکنون آمریکا بزرگترین نیروی نظامی خود بعد از جنگ ویتنام را در خلیج فارس متمرکز کرده است.

ف.ج.ج.د: از مبارزه جوانان و دانشجویان ایران پشتیبانی کنید

"فدراسیون جهانی جوانان دمکرات" در نامه ای به همه سازمانهای عضو خود متن دو سند مشترک "سازمان جوانان توده ایران" و "سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران" را در اختیار آنها گذاشته است. این دو سند "فراخوان به جوانان و دانشجویان مرفقی جهان" درباره زندانیان سیاسی و اعلامیه مشترک دو سازمان بمناسبت هشتمین سالگرد جنگ ایران و عراق هستند. "فدراسیون جهانی جوانان دمکرات" در نامه خود اعضای "فدراسیون" را به پشتیبانی از مبارزه جوانان و دانشجویان ایران و مردم ایران علیه جنگ و برای آزادی زندانیان سیاسی فرامی خواند.

آذرخش منتشر شد

"کمیسیون ارتباطات سندیکاهاى زحمتکشان ایران (عضو فدراسیون سندیکایی جهانی) دست به انتشار نشریه ای بنام "آذرخش" زده است. این نشریه ترجمه چکیده ای از خبرنامه هفتگی "فدراسیون سندیکایی جهانی" بنام "اخبار کوتاه از جهان سندیکایی" است، که به چندین زبان خارجی منتشر می شود.

جمهوری بی ...

چندی پیش دو زن را به گناه "زناى محصنه" و "غیر محصنه" اعدام کردند که یکی از آنان به گفته خودشان تازه مسلمان بود. کدام انسان عاقلی می تواند تصور این نکبت را بکند که در جمهوری اسلامی ایران زنان و مردان را اینگونه خودسرانه به چوبه دار بسپارند و یا سنگسار کنند؟

قاضی های "شرع" که از کوچکترین صلاحیت علمی برای انجام امر قضائی بی بهره اند، جانشین حتموق دانان، پزشکان قانونی و کارشناسان امور جنائی شده اند و انجام کارهایی را که از آنها سردر نمی آورند در دست خود متمرکز کرده اند.

در محاکمه زنی که متهم به کشتن ناپسری خود شده است، رئیس دادگاه هنگام ختم دادرسی اعلام کرد که چون نمی تواند تشخیص دهد آن جوان خودکشی کرده یا زن پدرش او را کشته است متوسل به "قسامه" میشود که یکی از چهار شرط ثبوت جرم است. در نتیجه مادر مقتول و پانزده تن از بستگانش قسم یاد کردند که متهم قاتل است. در حالی که خودشان گفته بودند که مقتول با زن پدرش در خانه تنها بوده و شاهد دیگری وجود نداشته است. قضات "شرع" پندارهای بیمارگونه خود را به تصور "الهی" بودن، بدون کسب نظر از پزشک قانونی و کارشناسان امور قضائی و جنائی به مرحله اجرا می گذارند و متهمان را چه بسا بیگناه به مجازات های سنگین محکوم می کنند.

هفته گذشته با خبر حیرت انگیز دیگری نیز آشنا شدیم. شوهری با برنامه ریزی دقیق همسرش را می کشد و طوری زمینه چینی می کند که دو افغانی بیگناه عاملان اصلی قتل معرفی بوسر به نیست شوند. اما تصادفاً رازش فاش و محکوم به "قصاص" می گردد.

اما در این میان ناگهان سر و کله کسی بنام "ولی دم" پیدا می شود که قاتل را می بخشد و او را از مجازات می رهاند! صحبت بر سر کسی است که نه تنها همسر خود را که از برکت جمهوری اسلامی میتواند یکجانبه طلاق بدهد با خونسردی کشته بلکه آنقدر از انسانیت بی بهره بوده که میخواسته دو افغانی بیگناه را هم به کشتن بدهد. با معیارهای جمهوری اسلامی اگر کسی "مشرک" باشد "متمدن فی الارض" است و باید کشته شود ولی یک جانی خطرناک را میتوان با تهدید و تطمیع "ولی دم" از چنگال عدالت نجات داد و منافع جامعه را هم نادیده گرفت.

همه اینها نشان می دهد که در جمهوری اسلامی بی قانونی مطلق حکم فرماست و مردم آن "عدالتخانه" ایرا که در انقلاب مشروطیت، برای رهائی یافتن از خودسری شاهان و حکام "شرع"، مطرح کردند و به چنگ آوردند، دوباره بطور کامل از دست داده اند و به دوران دیوان بلخ باز گردانده شده اند.

تظاهرات ضد جنگ

در نیویورک و لوس آنجلس

در ۲۵ سپتامبر و ۱۷ اکتبر به کوشش مشترک "کمیته همبستگی با مردم ایران" و "شورای صلح آمریکا" در نیویورک و لوس آنجلس تظاهرات ضد جنگ برپا شد. در این تظاهرات نیروهای صلح دوست و مرفقی ایرانی و آمریکائی و دیگر کشورها در مقابل ساختمان "بنیاد مستضعفان جمهوری اسلامی" در نیویورک و ساختمان فدرال ایالات متحده آمریکا در "وست وود" لوس آنجلس اجتماع کردند و خواستار قطع جنگ و خروج نیروهای نظامی آمریکا از خلیج فارس شدند. تظاهر کنندگان با حمل شعارها و پلاکاردهائی بزبانهای انگلیسی و فارسی صدای صلح دوستانه مردم ایران و منطقه را بگوش مردم ایالات متحده رساندند و موج همبستگی در راه هدفهای یاد شده را برانگیختند.

در نیویورک، هواداران تشکیلات دمکراتیک زنان ایران شرکت فعال داشتند و چه از طریق پلاکاردها و نشریاتی که در اختیار عابران می گذاشتند و چه از طریق گفتگوی رویارو با عابران، در زمینه های گوناگون سیاست ضد مردمی ج.ا. و زیانهای جانی و مالی ناشی از جنگ به افشاکاری پرداختند. در لوس آنجلس، هواداران حزب و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در تشریک مساعی با هم در تظاهرات شرکت جستند. شرکت کنندگان در تظاهرات طومارهای ضد جنگ را که بابتکار کمیته همبستگی با مردم ایران تهیه شده بود امضا کردند و کمکهای نقدی خود را در اختیارش گذاشتند.

کمکهای مالی رسیده:

- جمع آوری شده توسط رفقای شهر آهوس دانمارک ۱۰۰۰ کرون
- "به یاد شهدای حزب" از رفقای شهر آهوس ۵۰۰ کرون
- وحید از آمریکا (ماه اوت) ۵۰ دلار
- وحید از آمریکا (ماه نوامبر) ۵۰ دلار
- به خانواده زندانیان سیاسی ناصر کوچولو (برلین غربی) ۱۰۰ مارک
- کمک به زندانیان ی-خ از آلمان غربی ۵۰ مارک
- به یاد رفیق شهید خسرو از سوئد ۵۱۰ کرون
- به یاد رفیق شهید فتحی از سوئد ۲۵۰ کرون
- سالگرد خجسته باد - رفقای نروژ ۱۲۵۰ کرون
- کمک به حزب - سه رفیق اتریشی ۵۰۰ شیلینگ
- کمک به زندانیان سیاسی - روزبه از بن ۱۰۰ مارک
- نازیلا از هامبورگ ۲۵۰ مارک

آدرس پستی:

NAMEH
MARDOM
NO: 183

P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden